عضو هیئت‌علمی مؤسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره) در گفت‌وگوی اختصاصی با سپهرغرب مطرح کرد:

طلبه‌ها باید وارد فضای علوم اجتماعی شوند

تقویت گفتمان‌های انقلابی با تجدیدنظر در روش‌ها

مسؤولان استان، مدیران حوزه و ائمه جمعه در بسترسازی برای ورود طلاب همدانی تحصیل‌کرده قم به همدان تلاش کنند

سپهرغرب، گروه فرهنگی - سمیرا گمار: عضو هیئت‌علمی مؤسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره) با بیان اینکه بسیار مهم می‌دانم که طلبه‌ها باید وارد فضای علوم اجتماعی شوند، گفت: این فضا در قم وجود دارد اما در شهرستان‌ها کم است و به‌صرف دروس سنتی اکتفا می‌شود، اگر مدیران حوزه‌ها این دروس تخصصی را راه بیندازند می‌توان به این مسئله امیدوار بود. به جد معتقدم فضای خالی در بخش علوم اجتماعی اسلامی استان‌ها باید پر شود.

هم‌زمان با آمدن امام‌جمعه جوان به همدان تهیه ویژه‌نامه‌ای با موضوع اهمیت و جایگاه نماز جمعه و ائمه جمعه در سپهرغرب به بنده محول شد که توفیق هم‌کلامی با بسیاری از بزرگان را نصیبم کرد؛ حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهدی خطیبی یکی از دوستان آیت‌الله شعبانی بود که در مصاحبه آن روزها نکته‌ای را به این مضمون بیان کرد: «در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مسائل، ارتقای سطح علمی حوزه‌ها است؛ طلبه‌های قوی عموماً در قم متمرکزشده‌اند و شهرستان‌ها شاید به لحاظ علمی قوت لازم را ندارند، امام‌جمعه می‌تواند حوزه شهرستان‌ها را تقویت کرده و از ظرفیتی که در قم وجود دارد برای برگشتن آن‌ها بهره گیرد تا به‌نوعی حوزه کهن همدان احیا شود.»

مدت‌ها بود مترصد فرصتی بودم تا به این موضوع و برخی مسائل حول محور حوزه‌های علمیه بپردازم که بازخوانی دیدار اخیر رهبر انقلاب (دام‌ظله) با طلاب و روحانیان بهانه‌ای شد تا این امکان در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهدی خطیبی، عضو هیئت‌علمی مؤسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره) و استاد سطوح عالی حوزه علمیه فراهم شود.

خالی از لطف نیست بدانید حجت‌الاسلام‌والمسلمین خطیبی پس از گرفتن دیپلم وارد حوزه علمیه همدان شده و چهار سال از محضر اساتید همدانی در ادبیات عرب و دروس مقدماتی بهره برده و از سال ۸۰ در قم به سر می‌برد. وی پس از سپری کردن دروس سطح، ۱۰ سال در درس خارج آیت‌الله عندلیب همدانی حاضرشده و علاوه بر آن در دروس خارج اصول آیات عظام وحید خراسانی، سبحانی و حضرات آیات هاشمی شاهرودی و شب‌زنده‌دار حاضرشده و با تدوین رساله سطح سه و چهار تحصیلات تحت برنامه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم را به پایان رسانده‌است.

این استاد حوزه و دانشگاه همچنین از سال ۸۲ در کنار دروس حوزوی به تحصیل دروس دانشگاهی نیز همت گماشته و در سال ۱۳۹۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته اقتصاد از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی فارغ‌التحصیل شده‌است. در کنار اشتغال به تحصیل، تدریس دروس حوزوی را نیز آغاز کرده و کتاب‌های مختلفی همچون رسایل، مکاسب، کفایه، دروس تمهیدیه و فقه بانکداری را در مؤسسه امام خمینی و جامعه المصطفی تدریس کرده و علاوه بر آن دروس رشته اقتصاد همچون اقتصاد کلان و منابع طبیعی را برای دانش‌پژوهان مقطع کارشناسی تدریس می‌کند، تألیف کتاب و چاپ چندین مقاله علمی- پژوهشی نیز در مجلات معتبر در کارنامه کاری وی مشهود است.

علاوه بر همه دارایی‌های علمی، تواضع و حسن خلق وی باوجود کمبود وقتی که داشت، قابل توجه بود؛ متنی که می‌خوانید حاصل هم‌کلامی با حجت‌الاسلام‌والمسلمین خطیبی است:

با سلام، لطفاً به‌عنوان مقدمه به نقش تاریخی حوزه‌های علمیه و تأثیر روحانیت شیعه در جامعه بپردازیم، این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پس از شهادت ائمه علیهم‌السلام و با آغاز غیبت کبری که دست شیعه از دامن اهل‌بیت علیهم‌السلام کوتاه شد علمای شیعه به‌نوعی سرپرستی شیعیان را بر عهده گرفتند؛ البته روایاتی از ائمه وجود دارد که حضرات معصومین در زمان حیات خویش نیز شیعیان را به علما ارجاع می‌دادند، اما بعد از غیبت کبری که امام معصوم حاضر نبود این مسئله نمود بیشتری پیدا کرد و علمایی نظیر شیخ طوسی، سید مرتضی، شیخ رضی و دیگر بزرگان زحمات زیادی برای اسلام و تشیع کشیدند. در حال حاضر هم که مراجع تقلید وظایف فقهای پیشین را عهده‌دار شده‌اند، با این تفاوت که آن زمان بحث‌های دینی فردی بود و شیعیان از دایره حکومت‌داری خارج بودند اما امروزه مقوله‌های اجتماعی حکومت بر اساس مبانی دینی مطرح است. درمجموع در هیچ برهه‌ای از تاریخ، شیعیان از علما به دور نبوده‌اند، افرادی که زحمات بسیاری را در راه کسب دانش دین متحمل شده و بعدها منبع خیر و فیض دیگران شده‌اند.

به نظر جنابعالی روحانیان در ایفای نقش اجتماعی خود موفق عمل کرده‌اند؟

یکی از نقایصی که در حال حاضر در سیستم حوزه وجود دارد این است که دین چطور می‌خواهد جامعه را مدیریت کند؟ برای پرداختن به این سؤال باید عرض کنم بعد از شهادت امام حسن مجتبی (ع) حکومت از دست شیعه گرفته شد و بعد از شهادت امام حسین (ع) نیز ائمه وارد جریان دیگری شدند و مقوله‌های حکومتی در بین علما و فقهای شیعه خیلی مطرح نبوده، کسی هم در این زمینه سؤال نمی‌پرسیده و معمولاً موضوع‌های اجتماعی در بین آن‌ها کمرنگ بوده‌است.

این وضعیت تا زمان صفویه ادامه داشته که پادشاهان صفوی به مکتب اهل‌بیت (ع) علاقه‌مند بودند و برخی از علمای بزرگ لبنان نظیر شیخ بهایی و پدرش، محقق ثانی و مرحوم محقق کرکی را به ایران آورده و به‌عنوان علمای طراز اول شیعه از حضور آنان استفاده کردند. با این اوصاف مباحث فقه اجتماعی خیلی مطرح نشده و این یک نقص جدی است که ورود به این بحث‌ها و استخراج علوم انسانی از منابع اسلامی یکی از وظایف اصلی فقهای شیعه در عصر حاضر است که نقش اجتماعی روحانیت در جامعه را فعال‌تر می‌کند؛ نقش اجتماعی نه به معنای خوش‌وبش کردن با مردم، البته مردم‌داری وظیفه روحانیت است اما این مسئله مورد نظر ما نبوده و اینجا چیزی بالاتر از آن را مد نظر داریم؛ اینکه جامعه اسلامی چگونه باید اداره شود تا بتوان عنوان اسلامی را بر آن بار کرد. برای مثال بانکداری در حال حاضر یک معضل است که برخی مراجع نسبت به آن واکنش‌هایی دارند از طرفی هم ما حکومت اسلامی تشکیل داده‌ایم و آیا می‌توانیم این کار را بکنیم؟ بنابراین ورود به تحقیقات فقه اجتماعی می‌تواند آن نقش اجتماعی را به بروز و ظهور برساند.

وظیفه حوزه‌های علمیه و روحانیون در عصر کنونی را در تربیت نسل کارآمد چه می‌دانید؟ به این معنی که به‌صورت کاربردی در برابر تهدیدها و آسیب‌ها حرف برای گفتن داشته باشند؟

شاید به‌نوعی بتوان با این سؤال پاسخ سؤال قبل را کامل کرد؛ در طول تاریخ، تمام علوم این‌طور بوده که توسعه پیداکرده و بخش‌های مختلف از آن به وجود آمده‌است، علوم اسلامی هم این‌گونه بوده؛ فقه، کلام و تفسیر در گذشته مبسوط نبوده و به‌مرور گسترده شدند، بسیاری از علما در اکثر رشته‌های علوم اسلامی اهل قلم بودند؛ شیخ طوسی در علم تفسیر کتاب «تبیان» را دارد، در علم فقه کتاب «المبوسط و الخلاف» در علم حدیث «التهذیب و الاستبصار» و در علم رجال «فهرست و رجال» را به رشته تحریر درآورده، اما در حال حاضر این‌طور نبوده و امکان اینکه یک نفر بتواند در رشته‌های مختلف صاحب‌نظر شود وجود ندارد، مسئله‌ای که رهبر انقلاب (دامت برکاته) و بسیاری از بزرگان بر ضرورت اساسی آن تأکید کردند نیز این است که ما باید به سمت تخصصی شدن بحث‌ها برویم؛ اینکه یکسری دروس مشترک پایه‌ای بین طلاب وجود داشته باشد اما پس بعدازآن رشته‌هایی نظیر اقتصاد اسلامی، علوم اجتماعی، حقوق، رسانه، هنر و غیره به‌صورت تخصصی دنبال شود، مثل علم پزشکی که به‌صورت تخصصی برای هر یک از اعضای بدن یک پزشک وجود دارد.

در حال حاضر ورود به این عرصه در بین طلاب ضعیف است اینکه یک نفر به‌صورت تخصصی تا پایان به دنبال یک رشته مورد نیاز در اجتماع برود، این مسئله در ایفای نقش اجتماعی طلبه‌ها و اثرگذاری مثبت آن‌ها در پاسخگویی به مسائل مبتلابه در جامعه مؤثر است.

امام راحل دوره فعلی را دوره حضور روحانیت می‌دانستند به این معنی که اگر مسئله جدیدی در کشور به وجود بیاید، نخستین سؤالی که مطرح می‌شود، این است که حکم خدا و اسلام دراین‌باره چیست؟ ظاهراً ما به این چیزی که امام چند دهه پیش فرموده‌اند نرسیده‌ایم، علت چیست؟

علل زیادی دارد؛ یکی از موارد قابل تأمل این است که باید فضای پژوهشی را برای پژوهشگر آماده کرد که متأسفانه در حوزه ضعیف است، نمی‌توان انتظار داشت که یک نفر به خاطر خدا پژوهش کند اگر خودش هم بیاید خانواده دارد و باید آن‌ها را اداره کند؛ الآن در دانشگاه این‌طور است که استاد به‌عنوان هیئت‌علمی حقوق قابل توجهی دارد و سالیانه نیز باید به میزان مشخصی مطلب و مقاله و غیره ارائه دهد اما این سازوکار تعیین‌کننده در حوزه وجود ندارد.

حضرت‌عالی نگرانی‌هایی در زمینه ارتقای سطح علمی حوزه‌ها دارید، اینکه طلبه‌های قوی عموماً در قم متمرکزشده و شهرستان‌ها به لحاظ علمی قوت لازم را ندارند. دراین‌باره بیشتر توضیح دهید.

در گذشته تعداد طلبه‌ها کم بود و از کسانی هم که وارد این عرصه می‌شدند عده‌ای می‌ماندند اما الآن شرایط خیلی فرق کرده و توجه به اشتغال هم در برخی حوزوی‌ها مطرح است که توان علمی را کاهش داده اینکه گاهی شاید قصد یک طلبه این است که درس بخواند تا در یک اداره مشغول باشد انگیزه او برای علم‌آموزی در این سطح است. از طرفی سطح زندگی‌ها هم متفاوت شده، اینکه با این سطح زندگی من هم به دنبال شغلی برای تأمین معیشت خود باشم و این دنبال شغل بودن نخستین آفتی است که طلبه را از علم جدا می‌کند.

می‌دانید که در حال حاضر شهریه طلبه‌ها بسیار نازل‌شده و شاید بالاترین شهریه در شهرستان‌ها یک‌سوم حقوق کارگری است که زندگی را نمی‌چرخاند؛ همه این موارد باعث می‌شود طلبه ما رمق درس خواندن نداشته و بحث‌های علمی طلبگی تحت تأثیر قرار گیرد که این امر در شهرستان‌ها مشهودتر است وگرنه در قم چاپ صدها مجله پژوهشی با تراز تولید علم نشان می‌دهد قم جایگاه خود را یافته‌است. به عبارتی تمرکز اساتید مبرز در قم باعث شده این خلأ در شهرستان‌ها احساس شده و میلی به درس خواندن هم وجود نداشته باشد درحالی‌که خداوند در سوره توبه فرمود: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ هنگامی‌که رسول فرمان خروج برای جنگ دهد نباید مؤمنان همگی بیرون روند پس چرا از هر طایفه‌ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم دین مهیا نباشند تا قوم خود را چون به نزدشان بازگشتند بیم رسانند، باشد که (از نافرمانی خدا) حذر کنند.»

در کنار همه این‌ها این مسئله اساسی وجود دارد که آیا با مهاجرت معکوس از قم به شهرستان‌ها این امکان وجود دارد که از یک فرد عالم که عمر خود را صرف درس و بحث علمی کرده استفاده کنند؟ استادی که می‌خواهد برگردد دغدغه این را دارد آیا از او استفاده می‌شود تا احساس خسران علمی نکند؟ در اینجا نقش مسؤولان استان، ائمه جمعه و مدیران حوزه مهم است تا هر یک به نحوی زمینه را برای ورود این افراد به شهرستان‌ها فراهم کنند.

شاید این سؤال خیلی مهم نباشد اما برخی‌ها می‌گویند این سؤال پیش می‌آید که چرا طلاب مانند سایر مردم در کنار درس و بحث خود کار نمی‌کنند؟!

این یک مغالطه بزرگ است که به‌اشتباه به آن دامن می‌زنند؛ ببینید اگر طلبه‌ای بخواهد موفق شود یعنی بتواند معارف اهل‌بیت (ع) را به شیعیان برساند، باید ۲۰ سال تمام‌وقت درس بخواند، او نمی‌تواند در یکجا مشغول باشد در کنارش چند ساعت درس بخواند اگر کسی بخواهد در درس‌های حوزه به نتیجه برسد باید مهز باشد، مسلط شدن به ادبیات عرب سه سال طول می‌کشد بعد همین‌طور دروس دیگر با این درس‌ها بعد سطوح بعد. حال اگر یک طلبه بعد از ۲۰ سال وارد یک کار شود دیگر نمی‌تواند از این علم استفاده کند چون او به‌عنوان یک طلبه شهریه امام زمان (عج) را مصرف کرده که کار دین را انجام دهد این‌طور که نمی‌شود!

خیلی‌ها به زندگی حضرات معصومین استناد می‌کنند که آن‌ها هم کار می‌کردند هم عالم و فقیه دین بودند؟!

نه این‌طور نیست، در تاریخ آمده حضرت امیر (ع) در ۲۵ سال خانه‌نشینی وارد کار کشاورزی شد و بعد از حکومت‌داری این کار را کنار گذاشت؛ یعنی حضرت علی علیه‌السلام بعد از اقامه نماز صبح در مسجد ابتدا احکام می‌خواند، بعد مردم را انذار می‌داد پس‌ازآن در مسند قضاوت می‌نشست و به سایر امور می‌رسید، پس وظایف تغییر کرد.

سایر ائمه علیهم‌السلام هم شاگرد داشتند، امام باقر و امام صادق صلوات الله علیهم کار هم می‌کردند اما خیلی محدود، این‌طور نبوده که بگوییم شغلشان فلان چیز بوده، یک درآمد مشخصی از خمس داشته‌اند و مابقی وقت خود را به تربیت شاگرد اختصاص می‌دادند، به‌طوری‌که اگر کسی مراجعه کرده و سؤال فقهی، کلامی، تاریخی و غیره داشته او را به شاگردان خاص خود در این رشته‌ها معرفی می‌کردند، همه این موارد نشان می‌دهد حضرات معصوم تمام وقت خود را به تربیت شاگردان اختصاص داده بودند؛ بنابراین اگر کسی واقعاً بخواهد بعد از طلبگی و فراگیری دروس حوزه فرصت وارد کار شود اتلاف منابع است چون تمام هزینه‌های دین را صرف کرده و هم‌اکنون باید اهل قلم و فکر باشد و اینکه بخواهد یک شغلی پیشه کند، اشتباه است.

بسیار خوب، استاد! این درست است که می‌گویند طلبه‌های قدیم باتقواتر بودند و وضعیت حوزه‌ها و طلاب در این بخش بهتر از حال حاضر بود؟

این یک واقعیت است که مردم اهل هرزمانی را ناقص‌تر از گذشتگان می‌دانند؛ بنده کتب تاریخی یا احوالات شخصی بسیاری از علما را خوانده‌ام، جالب است بدانید مثلاً در احوال شخصیتی مانند شیخ انصاری آمده که گفته: فلان مسئله مربوط به گذشته است، نه اکنون‌که مکر، دغل و فریب‌کاری در بین مردم زیاد شده‌است. یا اینکه ملاصدرا با آن مقامی که دارد در جایی می‌گوید: گذشتگان قدر علم را می‌دانستند نه من که به‌عنوان پایین‌ترین طلبه به من نگاه می‌شود.

نکته دیگر این است که در همین قرن معاصر ما بزرگان زیادی را داشته‌ایم که از نوادر بوده‌اند مثل آیت‌الله بهجت، الآن هم عده‌ای هستند که شناخته‌شده نیستند، پس ما برای محاسبه تقوا شاخصی نداریم؛ بله در همه قشرها آدم خوب و بد وجود دارد متعلق به زمان حال هم نیست از قدیم هم این‌گونه بوده. در زمان مشروطه حکم قتل شیخ فضل‌الله نوری را آخوند زنجانی داد. اکنون در زمانه‌ای به سر می‌بریم که به‌واسطه گسترش فضای مجازی و پررنگ شدن نقش رسانه‌ها، حرف‌ها زود منتقل می‌شوند و عده‌ای به دلیل انعکاس زیاد آن فکر می‌کنند این موارد بدی‌ها زیاد شده درحالی‌که این‌گونه نیست.

در حال حاضر طلاب دروس خارج کمتر به مسائل روز مانند بانکداری، موسیقی، رسانه، سینما و مسائلی ازاین‌دست می‌پردازند، علت چیست؟

ورود به مقوله‌های جدید دشوار بوده و این یک واقعیت است، برخی از مباحث طوری است که صدها سال روی آن بحث شده، اما مثلاً موضوع جدیدی مانند پیوند اعضا بحث‌های زیادی دارد، علما هم در این موارد گام‌به‌گام پیش می‌روند این به آن معنی نیست که آن استاد در آن بحث توانمند نباشد، بلکه علت این است که منابع کم این بحث منجر به ورود کند به آن شده و این امر کمی زمان‌بر است.

اما باید پذیرفت که در این بخش با وضعیت مطلوب فاصله داریم، نیروهای قوی همپای سرعت پیشرفت و تغییرات روز وجود نداشته و حرکت ما هم کند است. یک نفر در حوزه پرورش پیدا می‌کند صدها موضوع به وی عرضه می‌شود، تربیت طلاب دروس خارج باید زیاد باشد تا بتوان به همه مسائل مورد نیاز جامعه پرداخت؛ به‌هرحال به‌اندازه کافی نیرویی که در این بخش تربیت‌کرده باشیم، نداریم.

رهبر انقلاب (دامت برکاته) در دیدار اخیر خود با طلاب و روحانیان اشاره کردند که روحانیت در متن زندگی مردم باشند، در این بخش وضعیت چگونه است؟

کف انتظار رهبری از طلاب از سابق همین بوده و بحمدالله در این بخش طلبه‌ها حضور فعال و مؤثری دارند و غالب آن‌هایی که به تبلیغ رفته‌اند در ایام تبلیغ ارتباط‌های نزدیکی با مردم داشته و دارند؛ اما موضوعاتی که در این ارتباطات مطرح می‌شود باید به‌روزتر و جدی‌تر باشد، چون با قشرهای جدیدی مواجهیم که نیازها و سؤالات جدی و جدیدی دارند.

یکی دیگر از نکات مورد اشاره رهبر معظم، تقویت گفتمان‌های انقلابی بود این موضوع چطور محقق می‌شود و آیا سازوکاری در حوزه برای ورود به این مسئله وجود دارد؟

ما برای گفتمان‌سازی نیاز به اطلاعات به‌روز و تعادل در تحلیل‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داریم؛ باید در صحبت کردن با دیگران به طرف مقابل فرصت حرف زدن بدهیم و نظر خودمان را هم تعدیل کنیم، شاید کسی تفکرات من را قبول ندارد اینکه من طلبه خودم را حق محض و او را باطل محض بدانم که نمی‌شود، ما در صحبت کردن‌هایمان به تجدیدنظر در روش‌ها نیاز داریم و این مسئله است که می‌تواند گفتمان انقلاب را پیش ببرد.

ممنون از وقتی‌که در اختیار ما قرار دادید؛ اگر نکته‌ای به‌عنوان کلام پایانی دارید، بفرمایید.

این نکته را بسیار مهم می‌دانم که طلبه‌ها باید وارد فضای علوم اجتماعی شوند، این فضا در قم وجود دارد اما در شهرستان‌ها کم است و به‌صرف دروس سنتی اکتفا می‌شود، اگر مدیران حوزه‌ها این دروس تخصصی را راه بیندازند می‌توان به این مسئله امیدوار بود. زمانی قرار بود شعبه‌ای از مؤسسه امام (ره) در همدان تأسیس شود که بنا به دلایلی کنسل شد این مسئله می‌توانست منشأ خیر باشد و عده‌ای از طلاب علومی نظیر اقتصاد اسلامی، روانشناسی اسلامی و سایر علوم را همان‌جا فرابگیرند، چراکه برخی از دوستان حاضر در قم کسانی هستند که در مؤسسه همدان قبول شدند اما چون دایر نشد به قم آمدند.

به جد معتقدم فضای خالی در بخش علوم اجتماعی اسلامی استان‌ها باید پر شود.

در مسیر هدایت از کمی پیروان نترسید

سپهرغرب، گروه فرهنگی: امیرالمؤمنین (ع) رهروان راه حق را به اعتمادبه‌نفس دعوت می‌کند که هرگز از کمی پیروان این راه وحشتی به خود راه ندهند.

بیانات امیر مؤمنان (ع) در عین فصاحت و بلاغت کلام، دارای ابعاد متعدد اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی است و کارکرد آن‌ها نه‌تنها مرتبط با دوران پرتلاطم حکومت ظاهری ایشان بر جامعه مسلمین بلکه تمام زمان‌ها و مکان‌ها را در بر می‌گیرد و این ناشی از قدرت احاطه ائمه (ع) بر علوم و مسائل اساسی هر جامعه و احاطه بر سنت‌ها و قوانین جاری در عالم هستی است.

به‌عنوان نمونه آن حضرت طی سخنرانی خویش بر منبر مسجد کوفه به برخی بایدها و نبایدهای جامعه دینی اشاره کرده و فرمودند:

ای مردم در راه راست از کمی روندگان نهراسید، زیرا اکثریت مردم بر گرد سفره‌ای جمع شدند که سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است.

ای مردم همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک هستند، چنان‌که شتر ماده ثمود را یک نفر دست‌وپا برید، اما عذاب آن تمام قوم ثمود را گرفت، زیرا همگی آن را پسندیدند. خداوند سبحان می‌فرماید: «فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نادِمِينَ؛ ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند» (شعراء ۱۵۷) سرزمین آنان چونان آهن گداخته‌ای که در زمین نرم فرورود، فریادی زد و فروریخت.

ای مردم آن‌کس که از راه آشکار برود به آب می‌رسد و هر کس از راه راست منحرف شود سرگردان می‌ماند. (خطبه ۲۰۱ نهج‌البلاغه)

أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقِلَّةِ أَهْلِهِ فَإِنَّ النَّاسَ قَدِ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةٍ شِبَعُهَا قَصِيرٌ وَ جُوعُهَا طَوِيلٌ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَ السُّخْطُ وَ إِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمُّوهُ بِالرِّضَا فَقَالَ سُبْحَانَهُ فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نادِمِينَ فَمَا كَانَ إِلَّا أَنْ خَارَتْ أَرْضُهُمْ بِالْخَسْفَةِ خُوَارَ السِّكَّةِ الْمُحْمَاةِ فِي الْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَاضِحَ وَرَدَ الْمَاءَ وَ مَنْ خَالَفَ وَقَعَ فِي التِّيهِ

امام علیه‌السلام در این کلام کوتاه به سه نکته مهم اشاره فرمودند که هر یک بخشی از این کلام را تشکیل می‌دهند: رهروان راه حق را به اعتمادبه‌نفس دعوت می‌کند که هرگز از کمی پویندگان این راه وحشتی به خود راه ندهند.

به یک اصل مهم اسلامی اشاره فرموده و آن اینکه رضایت به اعمال دیگران انسان را در سرنوشت آن‌ها شریک می‌کند، هر چه عملاً دخالتی نداشته باشد.

توصیه می‌فرماید که راه واضح و شفّاف را برگزینید تا به مقصد برسید و از گام نهادن در جاده‌های تاریک و مبهم خودداری کنید که در بیراهه می‌افتید.

امیر مؤمنان (ع) مردم را نهی می‌کند از اینکه در طریق هدایت به سبب کمی رفیق و همراه، دستخوش ترس و هراس شوند و این کنایه است از اینکه اگر برخی اصحاب را وسوسه فراگیرد از اینکه شماره آنان اندک و دشمنانشان بسیار است بر طریق حقّ نیستند، آگاه باشند که اگرچه شمار آن‌ها اندک است امّا درراه هدایت و رستگاری سیر می‌کنند.

اشاره به اینکه رهروان جاده هدایت کم هستند، به جهت جاذبه‌های دنیاست. امام علیه‌السلام در این کلام پرمعنا دنیا را به سفره رنگینی تشبیه می‌کند که مواد کم‌ارزش یا بی‌ارزشی ازنظر تغذیه در آن قرار داده‌شده، اما آن‌ها را با زرق‌وبرق آراسته‌اند. دنیاطلبان اطراف آن را می‌گیرند غافل از اینکه مواد غذایی آن تنها در مدتی آن‌ها را سیر می‌کند و به دنبال آن گرسنگی طولانی در پیش است.

عبارت «جوع طویل» یا گرسنگی بلندمدت ممکن است اشاره به اندوه و حسرت طولانی باشد که به هنگام مرگ و پس‌ازآن و در صحنه قیامت به دنیاپرستان دست می‌دهد و پیوسته بر تقصیرات خود در دنیا تأسّف می‌خورند.

همچنین می‌توان گفت آنجا که فرمود «اکثریت مردم بر گرد سفره‌ای جمع شدند که سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است»، گویای این است که علت کمی عده اهل هدایت و سالکان راه حق این است که مردم، دور مال‌ومنال دنیا را گرفته و در گرد آن اجتماع کرده‌اند. واژه مائده (سفره) را برای دنیا استعاره فرموده، زیرا همان‌گونه که سفره محل گردآمدن طعام‌های رنگارنگ است، محل اجتماع لذت‌های گوناگون است، ذکر کوتاهی‌مدت سیری و بهره‌برداری از این سفره کنایه از کوتاهی مدت عمر آدمی در این دنیاست و دراز بودن زمان گرسنگی اشاره به عذاب‌ها و شکنجه‌های طولانی است که بر اثر فرورفتن در خوشی‌ها و لذت‌های دنیا در آخرت دامن‌گیر انسان می‌شود.

امیر مؤمنان (ع) در دیگر سو می‌فرماید: «ای مردم، رضایت و نارضایتی (نسبت به عملی از اعمال) موجب وحدت مردم (در کیفر و پاداش) می‌شود؛ أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَى وَالسُّخطُ»؛ بنابراین نه‌تنها شرکت در عمل یا تهیه مقدمات و اعانت بر اثم سبب شرکت درنتیجه می‌شود؛ بلکه رضایت قلبی نیز همین کار را می‌کند، بنابراین در زیارت‌نامه‌ها با صراحت این تعبیر آمده‌است: «وَ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِيَتْ بِهِ؛ خداوند لعنت کند گروهی را که جنایات جانیان را در کربلا شنیدند و به آن رضایت دادند»؛ خلاصه آنکه در فرهنگ اسلام نه‌تنها شرکت در عمل یا معاونت در مقدمات، سبب شرکت در نتیجه‌ها می‌شود بلکه رضایت قلبی نیز این اثر را دارد.

منابع:
شرح: پیام امام امیرالمؤمنین (مکارم شیرازی)
شرح ابن میثم بحرانی (ترجمه محمدی‌مقدم)